

چکیده رساله

«کیفیت مکان» زندگی انسان، چه معماری و چه شهر، بخشی از «کیفیت زندگی» اوست که حداقل بعنوان بستر و زمینه، در «کمال» وی مؤثر است. عوامل گوناگونی در شکل گیری «مکان» مداخله دارند. در میان این عوامل، نقش «معمار» که موجد «معماری» است، بعنوان تصمیم گیرنده نهایی یا رهبر ارکستر موسیقی مکان، از اهمیت بسزایی برخوردار است. از اینجاست که اهمیت «آموزش معماری» و پرورش معماران شایسته در جامعه روشن می گردد. «انسان» در هر دو عرصه معماری و آموزش آن موضوع اصلی است و به هر میزان که بتوان به شناخت جامعتری از انسان دست یافت، می توان نتایج بهتری در این دو حوزه بدست آورد. مکتب «اسلام ناب محمدی (ص)» شامل قرآن، سنت و عترت، بعنوان راهنما و مکمل عقل بشری، بعنوان کاملترین و آخرین دین توحیدی از سوی خالق حکیم و مهربان جهان برای انسان تعبیه شده تا هم «هسته‌های» انسان و کمال او، هم «بایدهای» نیل به کمال و هم الگو و اسوه های عملی راه یافته را برای او تبیین کند. از اینرو، معتبرترین منبع برای شناخت انسان و هدایت او به سوی کمال شایسته وی، این مکتب می باشد. اگر آدمی «قصد» کمال داشته و در جستجوی «کمال حقیقی» است، باید این مکتب را مبنای تمام شؤون زندگی فردی و اجتماعی خویش قرار دهد؛ و از جمله این شؤون، معماری و «آموزش معماری» است.

تربیت «مهندسان معمار» متخصص و متعدد، نیازمند طراحی مدلهای مبتنی بر اندیشه اسلامی و متناسب با نیازها و امکانات کشور برای «آموزش معماری در ایران» است. طراحی یک «مدل ایرانی-اسلامی آموزش معماری»، یکی از اولین گامهای لازم برای دستیابی به برنامه راهبردی برای آموزش معماری در ایران است. برای این منظور نیازمند تحقیقاتی در گستره های مرتبط با «آموزش معماری، معماری اسلامی و تعلیم و تربیت اسلامی» خواهیم بود. به نظر می رسد بتوان از برخی از مدلهای دانش «برنامه ریزی استراتژیک» در این راستا برای بدست آوردن ساختار پایه بهره جست. همچنین برای بهره گیری از اندیشه اسلامی، می توان طی فرایند «اجتهاد» یا عقل مبتنی بر وحی، محتوای این ساختار را پر کرد. در اینصورت می توان به مدلی دست یافت که طی آن «دانشها، بینشها، ارزشها، اهداف، مأموریتها و راهبردها و روشهای آموزش معماری» همگی در سپهر اندیشه اسلامی تبیین می شوند. به عبارتی، پاسخ به چیستی «معماری» و کیستی «معمار» و چگونگی «تعلیم و تربیت» وی، که پرسشهای اساسی هر نظام آموزش معماری است، از منظومه اندیشه اسلامی بدست می آید. از این منظر، خداوند حکیم، حکمت وجود انسان در این عالم و تمامی اعمال او را در مسیر کمال او، تدبیر فرموده و انسان در جستجوی سعادت، که آگاهانه دین اسلام را بعنوان برنامه سعادت خویش انتخاب نموده، باید تمامی کارهایش را در این مسیر جهت دهی و ساماندهی کند؛ «معماری» و «آموزش معماری» نیز مانند سایر افعال انسان، بر همین مبنا تعریف می شوند. بر اساس این بینش محوری است که مدل «آموزش اسلامی معماری» شکل می گیرد. بر مبنای این مدل می توان پیشنهادهایی برای «ارتقاء آموزش معماری در ایران» ارائه داد که البته مستلزم شناسایی دقیق وضع موجود و تشخیص نقاط قوت و ضعف، و فرصتها و تهدیدهای آن است.

در یک بررسی مقدماتی درباره «آموزش معماری در ایران» می توان گفت که در «عرصه نظری»، تأثیر آموزه های اسلامی بر مبانی آموزش کم رنگ بوده و برنامه نیز پس از تدوین اولیه، متناسب با نیازهای بومی کشور بصورت پویا مورد بازنگری، تغییر و اصلاح قرار نگرفته است. در «عرصه عملی»، سازوکار اجرای آموزش معماری، یک سامانه هدفمند نبوده و بصورت یک کل یکپارچه در راستای پرورش معماران شایسته عمل نمی

کند. نتیجه آنکه محصول آموزش معماری پس از طی این دوره، نه به شکوفایی و رشد متعادل قوای فردی انسانی می رسد و نه از کارایی حرفه ای معمارانه لازم برای برآوردن نیازهای جامعه برخوردار است. سطح پائین کیفیت معماری امروز کشور، چه از جنبه علمی و فنی و چه از بعد هنری و چه برخوردار از آثار از اصالت و هویت‌های خودی، شاهدی بر این مدعاست.

اصلاح و ارتقاء وضع موجود آموزش معماری، نیازمند نگرشی جامع با رویکردی سامان مند به موضوع است. «اصلاح برنامه آموزش معماری و ارکان و مؤلفه های مؤثر بر آموزش، ساماندهی بسترهای موجود یا فراهم نمودن زیرساختهای جدید، بازنگری در فضای پیش و پس از دانشکده، به همراه فراهم نمودن شرایط تعامل سامانمند میان دانشکده با فضای پیش و پس از خود»، رهنمودهای هفتگانه ای هستند که برای نیل به این هدف مفیدند. در این میان «اصلاح برنامه آموزش معماری» بعنوان یکی از گامهای مقدماتی برای ساماندهی بقیه مؤلفه های آموزش، از اولویت و اهمیت بسزایی برخوردار است. اگر مدل «آموزش اسلامی معماری» بعنوان مبنای این کار اصلاحی قرار گیرد، باید «پیشها، ارزشها، اهداف، مأموریتها، راهبردها و روشهای» آموزش معماری در ایران متحول شوند. در میان این موارد، اصلاح «راهبردها» بدلیل اینکه واسطه بین عرصه «نظر» با «عمل» هستند، می توانند در اولویت قرار گیرد. راهبردهایی مانند «ماتریس تعامل دروس، منظومه دروس و دوره های سه مرحله ای تربیت معماران» پیشنهادهایی هستند که در این رساله ارائه شده اند. همچنین برای عملیاتی شدن طراحی، اصلاح و اجرای «برنامه راهبردی آموزش معماری در ایران، مبتنی بر اندیشه اسلامی» خود، نیازمند طراحی یک «نقشه راه» است که طی آن تحقیقات میان رشته ای بنیادی و کاربردی همراستا و هدفمند، از «نظر» به «عمل» و بالعکس انجام پذیرد تا پایه های شکل گیری یک مدل «آموزش معماری شایسته ایران اسلامی» فراهم آید.

معرفی ساختار رساله

بر اساس مبنای فوق، هدف این تحقیق، همانگونه که از نامش پیداست، جستجوی «مدلی برای آموزش معماری در ایران، بر مبنای اندیشه اسلامی» است. روشهای گوناگونی برای نیل به این هدف وجود دارد، پیش فرض پژوهشگر این است که اسلام با جامعیتی که دارد، بصورت یک ابر سامانه، همه این روشها را در ساختاری واحد و جامع ساماندهی می کند. در همین راستا، این تحقیق در جستجوی پاسخ به یک پرسش اصلی و یک پرسش فرعی در پی آن است:

▪ پرسش اول، از جنس حکمت نظری است: آموزش معماری بر مبنای اندیشه اسلام، چگونه آموزشی است؟

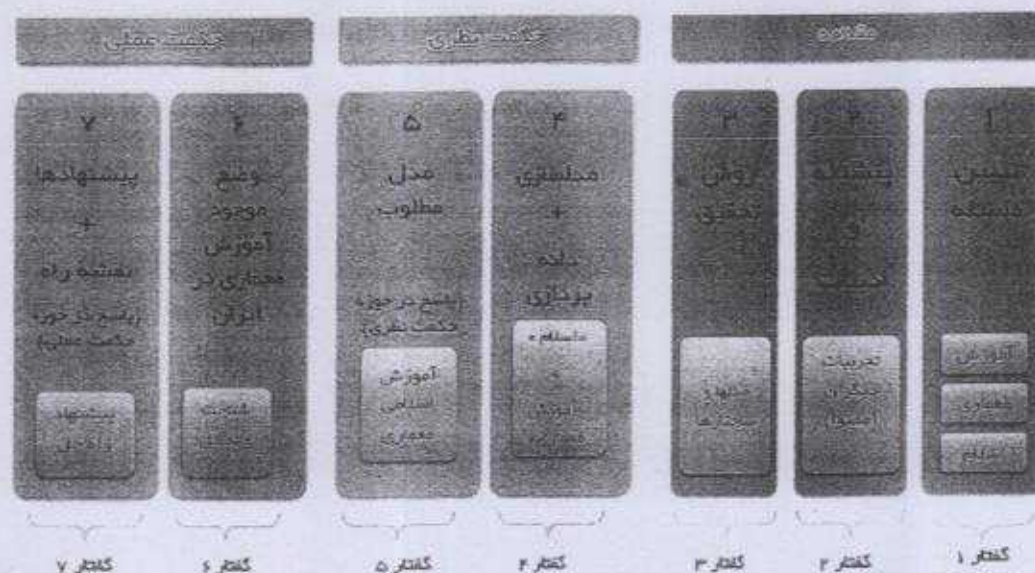
▪ پرسش دوم از جنس حکمت عملی است و رویکردی کاربردی دارد که درصورت پاسخ به پرسش قبل مطرح می گردد: چگونه می توان وضع موجود آموزش معماری در ایران را بر اساس آموزه های اسلامی، به سوی وضع مطلوب ارتقاء داد؟

برای پاسخ به دو پرسش فوق، این رساله شامل سه بخش اصلی می باشد:

در بخش اول (مقدمه، تعمیق و توسعه دانش)، شامل ۳ گفتار (۱، ۲ و ۳)، به تبیین فرضیه و تشریح مسئله و پاسخ اجمالی به پرسشهای مبنا پرداخته می شود. به این ترتیب که گفتار اول، به روشن شدن مسئله می پردازد، ادبیات موضوع، تحقیقات قبلی انجام شده و گستره های مورد نیاز برای پاسخ بانی پرسش تحقیق در گفتار دوم، و روشها و مدل های تحقیق در گفتار سوم معرفی می شود.

در بخش دوم (حکمت نظری، کسب بینش)، که شامل دو گفتار (۴ و ۵) می باشد، مبنای نظری فرضیه تحقیق، تبیین شده و افق چشم انداز ارتقاء آموزش معماری در ایران مشخص می گردد. به این ترتیب که در گفتار ۴ طی یک فرایند «مدلسازی»، دو مؤلفه «آموزش معماری» و «اندیشه اسلامی» در قالب یک مدل سامانه ای ترکیبی تنظیم می شود تا ساختار «آموزش اسلامی معماری» بدست آید. سپس در مرحله «داده پردازی» محتوای اسلامی و دانش و تجربه بشری، که در گستره های گفتار دوم بررسی شده بود، طی «فرایند اجتهاد» بصورت سلسله مراتبی تنظیم می گردد تا چارچوب «آموزش اسلامی معماری» در قالب مبانی و اصول بدست آید. بر اساس این چشم انداز، در گفتار ۵ مدلی از «برنامه راهبردی آموزش معماری، بر مبنای اندیشه اسلامی» بعنوان درامدی بر «آموزش اسلامی معماری» طراحی می شود (مدل مطلوب). نکته قابل توجه در روند شکل گیری «مدل مطلوب» در این تحقیق آنست که این مدل از ترکیب محتوای گستره های گفتار ۲ در مدلسازی منتج از گفتار ۴ بدست آمده است که خود این مدلها بصورت خام در گفتار ۳ معرفی شده و در گفتار ۴ متناسب با محتوای بحث، مجدداً طراحی شده اند. یعنی گفتارهای ۲ و ۳ و ۴ کاملاً مکمل یکدیگر عمل می کنند تا ما را به مدل نهایی در گفتار ۵ برسانند.

در بخش سوم (حکمت عملی، مقدمات اجرا) که شامل دو گفتار (۶ و ۷) است، با توجه به رویکرد کاربردی این پژوهش، ضمن بررسی، نقد و تحلیل وضع موجود آموزش معماری در ایران و شناسایی نقاط قوت و ضعف، فرصتها و تهدیدهای آن در گفتار ۶، با توجه به مدلی که در گفتار ۵ طرح شد، روشها و راهکارهای عملی ارتقاء از این وضع موجود به آن وضع مطلوب در قالب رهنمودها و پیشنهاد نقشه راه، ارائه خواهد شد. پیشنهادهای ارائه شده را می توان راه حل های دوران گذار از وضع موجود به وضع مطلوب دانست. نمودار زیر، گویای ساختار رساله شامل ۷ گفتار برای رسیدن به پاسخ پژوهش می باشد.



نمودار ۱-۱ (مقدمه) ساختار کلی فصلهای رساله

لازم به ذکر است که در این رساله، آنچه که اهمیت داشته، یافتن «فرآیند» و طرح «ساختاری» برای نیل به پاسخ است؛ فرآیند نحوه بهره‌گیری از آموزه‌های عقل و وحی (بمنزله بخش بنیادین یا حکمت نظری) می‌باشد. عبارتی دستاورد اصلی این رساله، یافتن این مدل میان رشته‌ای است. چگونگی تأثیر آن بر آموزش معماری (بمنزله بخش کاربردی یا حکمت عملی) بعنوان یک نمونه از کاربرد مدل مطرح است. بنابراین اعتبار محتوا و نتایج حاصل از آن در حد یک پیمایش مقدماتی است و نیازمند تحقیقات میان رشته‌ای وسیع‌تر و عمیق‌تر در آینده می‌باشد.

در گفتار هشتم، جمع‌بندی مطالب ارائه شده است.

واژگان کلیدی: سامانه «آموزش اسلامی معماری»، برنامه راهبردی آموزش معماری، مدل مناسب، فرآیند اجتهاد، نقشه راه، منظومه دروس،